شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۵ شماره ۲۷۴۸

www.TOURISMpaper.com

تنها روزنامه مکتوب گردشگری جهان

تریسم

گزارش

دره گردو اراک در مسیر تبدیل‌شدن به قطب گردشگری و سرمایه‌گذاری

شهردار اراک از قرارگرفتن دره گردو اراک در مسیر تبدیل‌شدن به قطب گردشگری و سرمایه‌گذاری خبر داد. علیرضا محمودی در گفت‌وگو با تسنیم گفت: در سال‌های اخیر تلاش شده فضاهای تفرجگاهی در اقصی نقاط شهر گسترش پیدا کند، اما همچنان آنچه شایسته و درخور مردم اراک است، به‌طور کامل محقق نشده است. وی با اشاره به ظرفیت‌های گردشگری دره گردو افزود: یکی از فضاهایی که مردم اراک از گذشته علاقه ویژه‌ای به آن داشته‌اند و می‌تواند به‌عنوان یکی از اسناد هویتی گردشگری شهر مطرح باشد، دره گردو یا نورالشهداست؛ منطقه‌ای که با حضور شهدای گمنام و خوشنام به یکی از ظرفیت‌های ارزشمند هویتی و گردشگری اراک تبدیل شده است. شهردار اراک ادامه داد: اقدامات ویژه‌ای در دره گردو انجام شده که بخشی از آن شامل اقدامات زیربنایی و زیرساختی توسط شهرداری است. ایجاد این زیرساخت‌ها موجب شده ظرفیت و جذابیت لازم برای حضور سرمایه‌گذاران اراکی، استانی و ملی فراهم شود. محمودی اضافه کرد: مردم در ماه‌های گذشته به‌دلیل اجرای عملیات عمرانی و تبدیل‌شدن این محدوده به کارگاه با مشکلات و سختی‌هایی مواجه بودند که امیدواریم با تکمیل پروژه، شهروندان بتوانند از فضای ایجادشده و ظرفیت گردشگری مرکز شهر اراک بهره بیشتری ببرند.

نیشگون

تاب‌آوری، شرط ماندگاری گردشگری ایران در شرایط دشوار

مدیرعامل هلدینگ گردشگری تأمین اجتماعی (هگتا) با تأکید بر ضرورت بازنگری در الگوی برنامه‌ریزی گردشگری ایران گفت: در شرایطی که اقتصاد، قدرت خرید مردم و زیرساخت‌های سفر با محدودیت‌هایی مواجه است، مسئله اصلی گردشگری فقط افزایش تقاضا نیست بلکه باید بتوانیم ظرفیت‌های موجود را به محصول، بازار و ارزش اقتصادی و اجتماعی تبدیل کنیم.

علیرضا تابش اظهار کرد: گردشگری ایران در سال‌های اخیر همزمان با افزایش هزینه‌های سفر، محدودیت‌های حمل‌ونقل و سرمایه‌گذاری، تحریم‌ها و شرایط منطقه‌ای مواجه بوده است اما این شرایط نباید ما را از دیدن ظرفیت‌های واقعی کشور بازدارد. وی تأکید کرد: کاهش قدرت خرید به معنای پایان تقاضای سفر نیست، بلکه الگوی سفر را تغییر می‌دهد. سفرهای کوتاه‌تر، نزدیک‌تر، اقتصادی‌تر و متناسب با توان مالی خانوارها می‌تواند بخشی از پاسخ صنعت گردشگری به شرایط جدید باشد.

مدیرعامل هگتا با اشاره به ظرفیت‌های این مجموعه در حوزه هتلداری، حمل‌ونقل و سفرهای سازمانی گفت: هگتا می‌تواند بخشی از ظرفیت‌های پراکنده خود را به یکدیگر متصل کند و از دل آن محصولات واقعی و قابل عرضه برای بازار سفر ایجاد کند. تابش همچنین بر اهمیت مدیریت مقصد، همکاری میان دستگاه‌های استانی، بخش خصوصی، شرکت‌های گردشگری، شهرداری‌ها، مجموعه‌های فرهنگی و حمل‌ونقل تأکید کرد و افزود: فناوری، داده و هوش مصنوعی نیز باید از سطح شعار فراتر بروند و به شناخت بهتر بازار، تصمیم‌گیری دقیق‌تر و طراحی محصولات متناسب با نیاز مسافر کمک کنند. مدیرعامل شرکت رفاه و گردشگری تأمین (هگتا) گفت: امید در گردشگری زمانی شکل می‌گیرد که واقعیت‌ها را ببینیم، برای سناریوهای مختلف آماده باشیم و از ظرفیت‌های موجود برای خلق ارزش و نشاط اجتماعی استفاده کنیم. تابش تاکید کرد: مهرگان، نوروز و یلدا، همان‌طورکه میراث گذشته ایران هستند، می‌توانند بخشی از آینده گردشگری کشور نیز باشند، به شرط آنکه میراث‌فرهنگی را به «تجربه سفر» تبدیل کنیم. «تجربه سفر» را به «محصول» و «محصول» را به «ارزش اقتصادی و اجتماعی» تبدیل کنیم.

خبر

«آسباد»؛ چهره‌ای نو از تاب‌آوری مردم سیستان و بلوچستان در جعبه جادویی

سال‌هاست تصویر سیستان و بلوچستان در بسیاری از آثار نمایشی، بیشتر با کلیشه‌هایی مانند ناامنی، فقر و بیابان شناخته می‌شود و بخش مهمی از پیشینه تاریخی و فرهنگی این سرزمین کمتر به مخاطب سراسری معرفی شده است. در چنین شرایطی، ساخت اثری داستانی با نام و محوریت آسباد، این منطقه را به یکی از نشانه‌های دیرپای سازگاری مردم با طبیعت تبدیل کرده است.

سریال ۲۴ قسمتی «آسباد» به تهیه‌کنندگی سیدمهدی هاشمی و محمدحسین غفرانی، کارگردانی محمدرضا معینی و نویسندگی فرهاد نقدعلی در مرکز سیمافیلم تهیه شده و روزهای فرد هفته ساعت ۲۲ و ۱۵ دقیقه از شبکه یک سیما پخش می‌شود. داستان در روستای ملک‌آباد سیستان و بلوچستان آغاز می‌شود؛ جایی که شیردل‌خان، شخص خیرخواه و محبوب روستا، همزمان با مراسم کلنگ‌زنی یک پروژه عمرانی در آسباد قدیمی جان می‌بازد و روح او برای پی‌بردن به حقیقت، میان مردم باقی می‌ماند.

این مجموعه در مکان‌هایی در سیستان و بلوچستان، ازجمله زاهدان و زابل و همچنین گناباد تصویربرداری شده است. در ترکیب بازیگران نیز چهره‌های شناخته‌شده‌ای چون سیامک صفری و علی اوسیوند در کنار بازیگران بومی و هنرمندان تئاتر استان حضور دارند. آسبادها از سازه‌های تاریخی و مهندسی‌شده‌ای هستند که با بهره‌گیری از بادهای ۱۲۰ روزه سیستان، نیروی لازم برای چرخاندن سنگ‌های آسیاب را فراهم می‌کردند. نام این سازه‌ها در سریال، افزون بر اشاره به یک اثر تاریخی، یادآور شیوه زندگی و تدبیر مردمان این سرزمین در برابر شرایط اقلیمی است.

قرارگرفتن یک آسباد قدیمی در مرکز داستان و همزمانی

مرگ شیردل‌خان با کلنگ‌زنی یک طرح عمرانی، زمینه‌ای برای طرح موضوع نسبت میان توسعه و حفظ میراث تاریخی ایجاد می‌کند. این تقابل می‌تواند مخاطب را با این پرسش روبه‌رو کند که چگونه می‌توان در مناطق برخوردار از پیشینه تمدنی، مسیر توسعه را با پاسداشت هویت و میراث‌فرهنگی همراه کرد.

مجتبی سعادتیان در این‌باره اظهار کرد: تولید محتوا درباره آثار تاریخی، از فیلم و سریال گرفته تا مستندهای علمی و ویدئوهای کوتاه معرفی آثار، می‌تواند نقش مهمی در شناساندن بناهای تاریخی و باستانی داشته باشد.

رضا بارانی رئیس اداره میراث‌فرهنگی شهرستان هامون نیز در این‌خصوص گفت: سریال آسباد از نظر گردشگری، به‌هرحال نوعی تبلیغ برای سیستان و بلوچستان به‌شمار می‌رود و بهتر است در کنار پرداختن به این موضوع، بر ثبت جهانی آسبادها هم تمرکز کنیم. او بیان کرد: چندسال است سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد یونسکو با ثبت جهانی آسبادهای ایرانی به‌عنوان میراث مشترک بشری موافقت کرده است. در حال حاضر و در سال ۱۴۰۵، یونسکو برای ثبت جهانی این آثار برنامه‌ریزی کرده و در سطح استان نیز کارگروه ثبت جهانی آسبادها تشکیل شده است.

پیوند میان روایت هنری، پژوهش تاریخی و برنامه‌های گردشگری می‌تواند زمینه را برای شناساندن دقیق‌تر آسبادها و دیگر آثار سیستان و بلوچستان فراهم کند.

بیتوته

مهرگان؛ جشنی که ثبت جهانی شد اما در پستو ماند!

دوسال از ثبت جهانی «مهرگان» در یونسکو می‌گذرد، اما این جشن به محاق رفته است؛ جشنی که در کنار نوروز، از کهن‌ترین آیین‌های ایران باستان محسوب می‌شود.

پرونده «جشن مهرگان» پس از چندین نوبت رفت‌وبرگشت به یونسکو، سرانجام در سال ۱۴۰۳ مشترک به‌نام ایران و تاجیکستان ثبت جهانی شد و عنوان بیست‌وپنجمین عنصر میراث‌فرهنگی ناملموس ایران را گرفت. نقطه ابهام این پرونده که باعث شد چندسالی در انتظار ثبت جهانی بماند، ابهام کارشناسان درباره برگزاری آن در ایران بود؛ آن‌ها بر این نظر بودند که این جشن در تاجیکستان مفصل‌تر از ایران برگزار می‌شود. حالا حدود دوسال از ثبت جهانی این جشن در فهرست یونسکو می‌گذرد و برگزاری آن همچنان به مناطقی در ایران محدود مانده و حتی برای معرفی و یا گسترده‌دادن و قوام‌بخشیدن این آیین کهن، برنامه‌ای در دست نیست. علیرضا حسن‌زاده، مردم‌شناس و مسئول پرونده جهانی مهرگان، درباره قدمت این جشن به ایسنا گفته است که «قدیمی‌ترین صورت از برگزاری این آیین براساس منابع یونانی به عصر هخامنشی بازمی‌گردد و منابع تاریخی، برگزاری پرشکوه آن را در دوره ساسانی گزارش کرده‌اند». به گفته او، «اگر مهرگان را در شمار آیین‌های غیررسمی مانند یلدا و چهارشنبه‌سوری بدانیم، برگزاری این آیین می‌تواند حتی کهن‌تر باشد.»

نام مهرگان با «مهر» پیوند دارد؛ مفهومی که در فرهنگ ایرانی، علاوه بر نام ایزدمهر، با دوستی، پیمان و وفاداری نیز ارتباط یافته است.

در روایت‌های تاریخی و اسطوره‌ای، مهرگان جایگاه ویژه‌ای داشته و در منابع مختلف از آن در کنار نوروز به‌عنوان یکی از جشن‌های بزرگ ایرانی یاد شده است. در روایت‌های اسطوره‌ای نیز این جشن با پیروزی فریدون بر ضحاک و آغاز پادشاهی فریدون ارتباط داده شده است.

با این‌حال، مهرگان را نمی‌توان تنها با یک روایت یا یک دوره تاریخی تعریف کرد. شکل و زمان برگزاری آن در دوره‌های مختلف تغییر کرده و در مناطق گوناگون نیز صورت‌های متفاوتی یافته است. همین تنوع، بخشی از ویژگی میراث ناملموس مهرگان است. زمان این جشن نیز در دوره‌های مختلف یکسان نبوده است. امروز در میان زرتشتیان، «مهر روز از مهرماه» یعنی شانزدهمین روز ماه، که در تقویم خورشیدی رایج برابر با دهم مهر است، یکی از تاریخ‌های اصلی برگزاری مهرگان به‌شمار می‌رود، درحالی‌که پرونده یونسکو بازه گسترده‌تری (دوم اکتبر تا دوم نوامبر برابر با ۱۰ مهر تا ۱۱ آبان) را برای برگزاری این آیین در ایران و تاجیکستان ثبت کرده است.

بر اساس پرونده یونسکو، جوامع زرتشتی در کنار جوامع مسلمان در برگزاری مهرگان نقش دارند؛ هرکدام نیز متناسب با باورهای خود، آیین‌هایی را اجرا می‌کنند. برای نمونه، زرتشتیان بخش‌هایی از متون دینی خود را می‌خوانند و مسلمانان دعاهای ویژه‌ای برگزار می‌کنند، اما در کنار این تفاوت‌ها، عناصری همچون گستردن سفره، خوراکی‌های فصلی، دیدار و گردهمایی مشترک دیده می‌شود.

در همین پرونده، مناطق روستایی شمال ایران، به‌ویژه گیلان، مازندران و گلستان و همچنین جوامع زرتشتی در استان‌هایی مانند تهران، یزد، فارس، کرمان، سیستان‌وبلوچستان، البرز و خوزستان به‌عنوان جوامع مرتبط با این آیین معرفی شده‌اند.

مهرگان اما فقط یک جشن متعلق به گذشته نیست. در پرونده‌ای که ایران و تاجیکستان سرانجام در سال ۲۰۲۴ برای ثبت آن در فهرست میراث‌فرهنگی ناملموس به یونسکو ارائه کردند، تأکید شده است که این آیین همچنان در میان جوامعی در ایران و تاجیکستان برگزار می‌شود. یونسکو نیز مهرگان را جشنی مرتبط با برداشت پاییزی معرفی کرده است که هر سال در بازه‌ای از دوم اکتبر تا دوم نوامبر برگزار می‌شود و شکل برگزاری، خوراکی‌ها و آیین‌های آن با توجه به منطقه و باورهای برگزارکنندگان تفاوت دارد.

اما پرونده مهرگان برای ثبت جهانی مسیر ساده‌ای نداشت. ایران پیش از ثبت نهایی، بارها درگیر اصلاح و تکمیل پرونده بود و یکی از پرسش‌های مهم درباره این آیین، میزان برگزاری و تداوم آن در ایران بود.

در واقع، برای ثبت مهرگان در یونسکو باید نشان داده می‌شد که این آیین هنوز زنده است.

اما همین‌جا یک پرسش شکل می‌گیرد، مهرگانی که برای ثبت جهانی، «زنده» معرفی شد، امروز در زندگی فرهنگی ایرانیان چقدر جریان دارد؟ با وجود کم‌رنگ شدن این جشن در فضای عمومی، نمی‌توان مهرگان را آیینی منسوخ‌شده دانست. با این‌حال، مهرگان در مقایسه با نوروز، ارتباط کمتری با تقویم رسمی و زندگی عمومی پیدا کرده است. نوروز با آغاز سال و تعطیلات گسترده، در ساختار اجتماعی و خانوادگی ایران جایگاهی ویژه پیدا کرده، درحالی‌که مهرگان چنین موقعیتی را حفظ نکرده است.

ثبت جهانی مهرگان می‌توانست نقطه عطفی برای بازشناساندن این جشن باشد، اما ثبت در یونسکو به خودی خود به‌معنای زنده‌ماندن یک آیین نیست. حسن‌زاده پیش‌تر در گفت‌وگو با ایسنا تأکید کرده بود: «کار با ثبت تمام نمی‌شود» و میراث ناملموس را «میراث زنده و تجربه زیسته» دانسته بود. این شاید مهم‌ترین نکته درباره مهرگان باشد. یک بنای تاریخی را می‌توان با مرمت و حفاظت فیزیکی نگه داشت، اما یک جشن تنها زمانی زنده می‌ماند که مردم آن را بشناسند، برگزار کنند و به نسل بعد منتقل نمایند.

گزارش

مرمت ترک‌های کاشی های گنبد شیخ لطف‌الله با حمایت خیرین

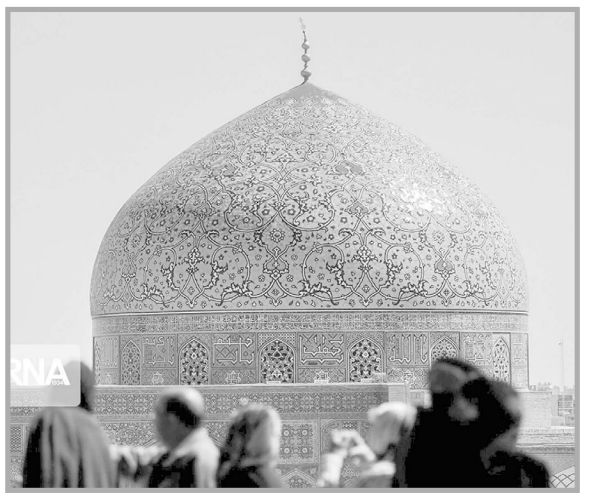

کوروش دیباج / بارندگی برای بناهای تاریخی اصفهان، به‌ویژه بناهایی که پوشش‌های کاشی‌کاری آنها در معرض آسیب قرار دارند، تنها یک اتفاق فصلی نیست. در چنین بناهایی، وضعیت پوشش بیرونی نقش مهمی در حفاظت از لایه‌های زیرین دارد و هر نقطه آسیب‌دیده می‌تواند در برابر نفوذ آب و رطوبت حساس‌تر باشد. از همین‌رو، نزدیک‌شدن به فصل بارندگی برای گنبد مسجد شیخ لطف‌الله، که بخش‌هایی از پوشش کاشی آن نیازمند مرمت است، موضوعی فراتر از یک تغییر معمول در شرایط جوی محسوب می‌شود. آب باران زمانی‌که با ترک‌ها، درزها یا نقاط آسیب‌دیده پوشش کاشی مواجه می‌شود، می‌تواند شرایط حفاظتی این بخش‌ها را دشوارتر کند. به همین دلیل، در مرمت بناهای تاریخی، پیشگیری از گسترش آسیب و کنترل نقاط آسیب‌پذیر پیش از قرارگرفتن آنها در معرض شرایط نامساعد جوی، اهمیت ویژه‌ای دارد. در مورد گنبد مسجد شیخ لطف‌الله نیز مسئله اصلی، مدیریت همین وضعیت در آستانه ماه‌هایی است که بارش می‌تواند فشار بیشتری بر بخش‌های آسیب‌دیده پوشش گنبد وارد کند.

امیر کرم زاده، مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان در گفت‌وگو با خبرنگار مهر با اشاره به اهمیت حفاظت از گنبد مسجد شیخ لطف‌الله اظهار کرد: با توجه به ضرورت حفاظت از کاشی‌های گنبد و انجام اقدامات مرمتی در بخش‌های آسیب‌دیده، عملیات مرمت ترک‌های کاشی این بنای ارزشمند با تأمین اعتبار از محل مشارکت خیرین میراث‌فرهنگی درحال اجراست.

وی افزود: گنبد مسجد شیخ لطف‌الله یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های هنر و معماری دوره صفوی است و حفاظت از پوشش کاشی‌کاری آن نیازمند استمرار اقدامات تخصصی و توجه به بخش‌هایی است که در معرض آسیب قرار دارند.

مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان ادامه داد: مشارکت خیرین در حفاظت از آثار تاریخی، جلوه‌ای ارزشمند از مسئولیت اجتماعی و همراهی مردم در صیانت از میراث‌فرهنگی کشور است و تأمین اعتبار این پروژه از این محل، زمینه تداوم اقدامات حفاظتی و مرمتی در یکی از مهم‌ترین بناهای تاریخی اصفهان را فراهم کرده است.

وی با تأکید بر اهمیت همراهی خیرین در حوزه میراث‌فرهنگی افزود: ورود منابع مردمی و خیرخواهانه به پروژه‌های حفاظت و مرمت بناهای تاریخی می‌تواند امکان استمرار اقداماتی را فراهم کند که برای صیانت از آثار ارزشمند تاریخی ضروری است.

کرم‌زاده افزود: مشارکت خیرین در این پروژه تنها به تأمین منابع مالی محدود نمی‌شود، بلکه نشانه‌ای از همراهی جامعه با دستگاه‌های متولی حفاظت از میراث‌فرهنگی و توجه به مسئولیت اجتماعی در قبال بناهایی است که بخشی از هویت تاریخی و فرهنگی اصفهان را شکل می‌دهند. وی تصریح کرد: گنبد مسجد شیخ لطف‌الله به‌دلیل گستردگی پوشش کاشی، جایگاه آن در سیمای میدان نقش جهان و ویژگی‌های معماری و هنری خود، از بخش‌های مهم این بنای تاریخی محسوب می‌شود و حفاظت از آن نیازمند برنامه‌ریزی مستمر است. از این منظر، ادامه عملیات مرمت ترک‌های کاشی در شرایطی که فصل بارندگی نزدیک می‌شود، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند.

جواد رحمتی، سرپرست پایگاه جهانی میدان نقش جهان در گفت‌وگو با خبرنگار مهر با تشریح آخرین وضعیت عملیات اجرایی گفت: مرحله پارچه‌سازی و آماده‌سازی قطعات کاشی مورد نیاز برای مرمت ترک گنبد به پایان رسیده و با توجه به مساعد و معتدل‌شدن شرایط جوی، عملیات نصب پارچه‌های کاشی بر روی گنبد آغاز شده است.

وی افزود: آماده‌سازی قطعات مورد نیاز، مرحله‌ای مقدماتی برای ورود به بخش اجرایی عملیات نصب است و اکنون با فراهم‌شدن شرایط مناسب جوی، کار در محل گنبد دنبال می‌شود.

یادگاری

چهارطاقی «مُنج» رهاشده و در آستانه ویرانی

یک کنشگر میراث‌فرهنگی گفت: چهارطاقی «منج» در بوانات استان فارس بر اثر گذشت زمان، فرسودگی شدید مصالح، رخنه عوامل طبیعی ازجمله باد، باران و برف و... و بدتر از همه رهاشدگی و نبود رسیدگی از سوی متولیان امر و دست‌درازی‌های انسانی در آستانه نابودی قرار گرفته است.

به گزارش ایسنا، سیاوش آریا، پژوهشگر و کنشگر میراث‌فرهنگی درباره این اثر تاریخی توضیح داد: چهارطاقی «منج» در شمال شرقی و ۲۴۰ کیلومتری شهر شیراز و در روستای منج از شهرستان بوانات جای دارد. این یادمان ارزشمند باستانی با وجود آسیب‌های فراوان بر اثر گذشت زمان و ویرانی بخش‌هایی از آن، همچنان استوار و پایدار بر روی تپه ای طبیعی باقی مانده است. ارزش و اهمیت چهارطاقی به دیرینگی اثر، موقعیت راهبردی، منطقه ویژه جغرافیایی و سوق‌الجیشی آن و نزدیکی به درخت سرو کهنسالی است که یک مجموعه تاریخی، فرهنگی و طبیعی را پدید آورده است.

از سویی، شناخت، پژوهش و مطالعه‌های تاریخی و بررسی‌های باستان‌شناختی در منطقه و اثر چهارطاقی، سبب آگاهی ما از روزگاران گذشته خواهد شد و بازگشایی

دریچه‌ای به‌سوی علم و دانش است. همچنین چهارطاقی «منج» از دید پژوهش در آداب و آیین گذشتگان و آشنایی با تاریخ اجتماعی آن دوران دارای اهمیت ویژه ای است. از همین‌رو، باید مورد توجه مدیران فرهنگی شهرستان بوانات و استان فارس قرار گیرد و هرچه زودتر اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اقدام به مرمت و حفاظت اصولی از آن کرده و با حفظ و پاسداشت یادمان باستانی و بی‌همتای کشور به معرفی آن پرداخته و این مجموعه را از رهاشدگی و نابودی نجات دهد. این کنشگر میراث‌فرهنگی ادامه داد: چهارطاقی «منج» که دیرینگی آن به دوران ساسانیان می‌رسد در وضعیت نگهداری و حفاظتی نامناسبی به‌سر می‌برد. براثر گذشت زمان و رخنه عوامل طبیعی بیشتر بخش‌های یادگار ساسانیان فرسوده شده و پایه‌های چهارطاقی سست و بی‌دوام و درحال فروریختن است. ترک‌هایی در جاهای گوناگون اثر نمایان است که نیازمند فوری مرمت‌های اصولی است. در غیر این‌صورت در آینده‌ای نزدیک و در فصل بارش‌ها بخش‌های دیگری از آن فرو می‌ریزد.

یادداشت

از تاب‌آوری تا بازآفرینی

گردشگری ایران در عصر هوش مصنوعی

ولی تیموری / هفته گردشگری امسال با پرسشی فراتر از کاربرد یک فناوری تازه همراه است: «دستور کار دیجیتال و هوش مصنوعی برای بازطراحی گردشگری» چگونه می‌تواند به بهبود واقعی این صنعت کمک کند؟ برای ایران، پاسخ به این پرسش باید از شرایط امروز آغاز شود؛ شرایطی که فعالان گردشگری میان آثار جنگ، وضعیت «نه جنگ و نه صلح» و امید به گشایش و بازیابی فعالیت می‌کنند.

عدم قطعیت، برای گردشگری مفهومی انتزاعی نیست. بر تصمیم گردشگر برای سفر، برنامه‌ریزی بنگاه‌ها، حفظ نیروی انسانی و اعتماد بازار اثر می‌گذارد. در چنین وضعیتی، نمی‌توان همه تصمیم‌های توسعه‌ای را تا رسیدن به ثبات کامل به تعویق انداخت. باید همزمان دو کار را پیش برد: از توان فعالیت و تاب‌آوری کسب‌وکارها و جوامع میزبان محافظت کرد و برای بازگشت تدریجی تقاضا، بازسازی اعتماد و عرضه تجربه‌های رقابت‌پذیر آماده شد. سرعت و شکل اجرای هر برنامه نیز باید با تغییر شرایط و واقعیت هر بازار سازگار باشد.

«سند راهبردی و عملیاتی بازآفرینی برند ملی و ارتقای رقابت‌پذیری گردشگری ایران در دوره گذار و پساجنگ» که اخیرا با اهتمام معاونت گردشگری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و با همین منطق تدوین شده است، بازیابی گردشگری را به افزایش شمار سفرها محدود نمی‌کند. بازسازی اعتماد، بازآفرینی تصویر مقصد، بهبود کیفیت تجربه و توسعه محصولات دارای مزیت را اجزای یک مسیر واحد می‌داند.

سه خوشه محصول دارای مزیت رقابتی ایران، الف) گردشگری فرهنگی و تاریخی، ب) گردشگری طبیعت‌محور و جامعه‌محور و ج) گردشگری پزشکی، سلامت و تندرستی می‌توانند در کنار هم تصویری کامل‌تر از ایران بسازند؛ به شرط آنکه ظرفیت‌های هر حوزه به خدمات و تجربه‌هایی معتبر و قابل عرضه تبدیل شوند.

این‌جاست که دستور کار دیجیتال و هوش مصنوعی معنای اجرایی پیدا می‌کند. امروز تصویر یک مقصد تنها از پیام‌های رسمی ساخته نمی‌شود؛ آنچه گردشگران در جست‌وجوها، پلتفرم‌ها، روایت دیگر مسافران و پاسخ دستیارهای هوش مصنوعی می‌بینند نیز بر شناخت و انتخاب آنان اثر دارد. اگر اطلاعات مقصد پراکنده، قدیمی یا نادرست باشد، تولید محتوای بیشتر به‌تنهایی این مشکل را برطرف نمی‌کند. نخست باید بدانیم ایران در بازارهای هدف چگونه دیده می‌شود، گردشگران چه پرسش‌هایی دارند و فاصله میان تصویری که می‌بینند و تجربه‌ای که می‌توانیم ارائه کنیم چقدر است.

بر این اساس، کاربرد هوش مصنوعی را می‌توان در یک چرخه عملی دنبال کرد: پایش برداشت‌ها و پرسش‌های بازار، ساماندهی اطلاعات مورد تائید و چندزبانه، کمک به تولید محتوا با نظارت و بازبینی عامل انسانی، متناسب‌کردن روایت با مخاطب و محصول، حفظ اعتبار و اصالت اطلاعات و سنجش نتایج.

بازطراحی درگاه‌ها و منابع اطلاعات گردشگری، دریافت منظم بازخورد گردشگران و ارزیابی دوره‌ای تصویر برند می‌تواند پشتوانه این چرخه باشد.

با این‌حال، اعتماد به مقصد از پاسخ یک سامانه آغاز می‌شود، اما در همان‌جا به پایان نمی‌رسد. اطلاعات درست درباره دسترسی، خدمات و شرایط سفر ضروری است؛ همان‌قدر که کیفیت واقعی خدمت، رفتار حرفه‌ای و روایت صادقانه از مقصد اهمیت دارد.

هوش مصنوعی می‌تواند به گردشگر در شناخت و برنامه‌ریزی سفر کمک کند، اما احساس رضایت را انسان‌ها می‌سازند. مهمان‌نوازی، گفت‌وگو با جامعه میزبان و شناخت فرهنگ و زندگی مردم، بخشی از ارزش گردشگری ایران است که باید در هر تحول دیجیتال حفظ و تقویت شود.

ازاین‌رو، آموزش و توانمندسازی باید همراه با به‌کارگیری ابزارهای نو پیش برود. مدیران و کارشناسان ستادی و استانی، راهنمایان، فعالان بخش خصوصی و تولیدکنندگان محتوای مقصد به مهارت‌هایی مانند راستی‌آزمایی، استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی، حفاظت از داده، روایتگری فرهنگی و سنجش اثر نیاز دارند. جوامع محلی نیز باید در معرفی تجربه‌های خود نقش داشته باشند و از منافع آن بهره‌مند شوند. فناوری زمانی به توسعه گردشگری کمک می‌کند که کیفیت کار و فرصت مشارکت انسان‌ها را افزایش دهد.

گردشگری ایران در دوره‌ای دشوار ایستاده است، اما این دوره می‌تواند زمان آماده‌سازی برای آینده نیز باشد. اگر حفظ تاب‌آوری امروز را با اجرای مرحله‌ای سند، همکاری بخش خصوصی و استان‌ها، اطلاعات معتبر و آموزش نیروی انسانی پیوند دهیم، ابزارهای دیجیتال می‌توانند به بازسازی اعتماد و ارتقای رقابت‌پذیری کمک کنند. معیار موفقیت، تنها حضور بیشتر ایران در فضای دیجیتال نیست؛ تجربه‌ای است که گردشگر در واقعیت به‌دست می‌آورد و ارزشی است که این مسیر برای فعالان گردشگری و جوامع میزبان ایجاد می‌کند.

نایب رئیس انجمن علمی گردشگری ایران

و مدیرکل دفتر مطالعات، آموزش و برنامه ریزی گردشگری